

شهادت زوج و زوجه له و علیه یکدیگر در جرایم براساس فقه و قانون جمهوری اسلامی ایران

عباسعلی سلطانی^۱

فتاح فتاحی وانانی^۲

چکیده

موضوع شهادت زوج و زوجه له و علیه یکدیگر در جرایم، در منابع فقه و حقوق و نظرات فقها و حقوقدانان به ویژه در جرایمی چون زنا، مورد بحث بوده است. گرچه برخی فقط به بررسی شهادت به نفع و برخی به ضرر یکدیگر در جرم زنا بسنده کردند اما در این تحقیق هر دو جنبه، در جرایم مورد توجه می باشد. واکاوی این موضوع بیانگر شکل گیری اقوال زیر می باشد:

برخی شهادت زوج را پذیرفته و حد را بر زوجه اجرا کرده و برخی با شرط عدم قذف قیل از شهادت، حد را بر زوجه جاری دانسته و برخی قائل به لعان زوج و حد سه شاهد شده؛ و برخی بین شهادت بر زوجه مدخول و غیر مدخول بها تفاوت گذاشته و برخی حد را از زوجه و سه شاهد ساقط دانسته اند. قانونگذار در این خصوص با تفاوت بین جرایم حقوقی و کیفری و شهادت - زوج بر زوجه و بالعکس، اولاد بر برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را می پذیرد به شرط عدم تخصیص توسط مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ و ثانیاً در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را به انضمام و مستقل نمی پذیرد. ثالثاً در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را تخصصاً خارج می داند. رابعاً در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را مستقلاً و اختصاصاً می پذیرد. خامساً در خصوص شهادت زوج بر زوجه در همه جرایم و نیز شهادت زوج بر زوجه و بالعکس در جرم زنا به شرط عدم تخصیص توسط مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ را پذیرفته است. این مقاله به روش تحلیلی توصیفی انجام شده و متضمن تبیین و تحلیل اقوال فوق و نظرات مربوط به شهادت زوج بر زوجه در زنا و دیگر جرایم به تفصیل با ذکر دلایل هر کدام می باشد. و بر اساس اصل اولیه پذیرش شهادت زوج بر زوجه و دلایل دیگر، نظر پذیرش شهادت زوج و اجرای حد بر زوجه به استناد آیات قرآن، روایات، قاعده مقتضی و مانع، به عنوان نظر صواب مطرح شده است. با این پیشنهاد که در اصلاح قانون مجازات مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: جرایم و شهادت، شهادت زوج به نفع زوجه، شهادت زوجه علیه زوج، شروط شهادت.

۱- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

در کتب فقهی و قوانین جمهوری اسلامی این موضوع مورد مذاقه قرار گرفته است بالاخص در فقه اسلامی که موضوع با نگاهی ژرف و با سابقه طولانی تحت عنوان «شهادة الزوج لزوجته و علیها و بالعکس»، «باب جواز شهادة المرأة لزوجها و الرجل لزوجته»، «فی ما لو كان الزوج أحد الأربعة الشهود بالزنا» و ... مورد مذاقه قرار گرفته و فصولی را به خود اختصاص داده که شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) به طور مستقل پذیرفته می شود یا خیر؟ در جرم زنا این شهادت چه جایگاهی پیدا می کند؟ و در کل شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) و بالعکس چه جایگاهی دارد؟

از همین رو در باب جایگاه شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) و بالعکس در جرایم، اقوال متفاوتی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. عده ای شهادت زوج و زوجه (له و علیه) به انضمام دیگر شاهدان را پذیرفته و شهادت آنها را مستقلاً نیز پذیرفته اند. (تحریر الوسيلة، ۲، ۴۴۴؛ تحریر الأحكام، ۵، ۲۵۵؛ فقه الصادق، ۲۵، ۳۰۱ و مسالك الأفهام، ۱۴، ۱۹۷ و جواهر الكلام، ۴۱، ۷۸ و معجم فقه الجواهر، ۳، ۴۷۴).
۲. عده ای لزوم ضمیمه کردن شاهد را به شهادت زوج و زوجه برای هم را نپذیرفته و شهادت آنها را مستقلاً پذیرفته و شهادت زوجه را به شرط حصول اطمینان نوعی پذیرفته و در صورت عدم حصول اطمینان نوعی شهادتش را نیازمند به ضمیمه می دانند (مهذب الأحكام، ۲۷، ۱۸۳).
۳. عده ای شهادت زوج و زوجه (له و علیه) با قید لزوم انضمام دیگر شاهدان را پذیرفته اند (المهذب، ۲، ۵۵۷).
۴. عده ای شهادت زوج و زوجه را به طور مطلق قبول نمی کنند شیخ طوسی این قول را از اهل عراق نقل می کند (الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی، ۱۷، ۱۶۶).
۵. عده ای دیگر قائل به تفاوت بین شهادت زوج و زوجه شده و شهادت زوج مستقلاً و بدون قید ضمیمه شاهد دیگر جایز دانسته و شهادت زوجه جز با وجود ضمیمه شاهد دیگر جایز دانسته اند (وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۳، ۴۶۶ و فیاض کابلی، منهاج الصالحین، ۳، ۲۶۷).
۶. عده ای شهادت زوج بر زوجه را پذیرفته و شهادت زوجه بر زوج را جایز نمی دانند (المغنی لابن قدامة، ۱۰، ۱۷۴؛ الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی، همان).

در مورد جایگاه شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا نیز اقوالی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. در صورت عدم قذف توسط زوج و شهادت ابتدای زوج؛ بر زوجه حد ثابت می شود، (سرائر، ۳، ۴۳۰؛ الوسيلة، ۴۱۰ و قواعد الأحكام، ۳، ۵۳۴ و ...).
۲. به خاطر وجود شبهه در اجرای حد حد شاهدان و مقذوف برداشته می شود این قول از محقق اردبیلی است و بیان می دارد که نه شهود حد می خورد نه مقذوف (مجمع الفائدة و البرهان، ۱۳، ۳۸).

۳. وجوب حد زوجه با وجود حاصل بودن شرایط شهادت (وافی، ۲، ۶۸؛ نهاییه، ۶۹۰ و خلاف، ۶، ۲۸۳ و لمعة الدمشقیة، ۳، ۳۱۵-۳۱۲).

۴. حد خوردن سه شاهد و زوج، در صورت امتناع از ملاعنه (المقنع، ۴۴۰ و الکافی فی الفقه، ۴۱۵ و مبانی تکملة المنهاج، ۱، ۲۲۲ و ۲۲۳).

۵. مدخول و غیر مدخول بودن زوجه این قول از ابن جنید است و بیان می دارد اگر با زوجه زناشویی نشده (غیر مدخول بها) باشد شهادت زوج صحیح است و زوجه حد می خورد و اگر با زوجه زناشویی شده (مدخول بها) باشد شهادت زوج باطل است و بر زوج است که لعان کند و بر سه شاهد دیگر حد جاری می شود (مجموعه فتاوی ابن جنید، ۳۴۳).

با تکیه به دو مسأله مطرح شده می توان به تبیین نکاتی در این موضوع پرداخت.

مفهوم شناسی

(۱) شهادت

در خصوص معنای شهادت در لغت و اصطلاح و نیز اصطلاح فقهی و حقوقی معانی متفاوتی بیان شده است: لغت شهادت را اسم مشاهده (القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، ۲۰۳) به معنی حضور، معاینه و اخبار از روی قطع (مصطلحات الفقه، ۳۱۹) اقرار از روی علم، خبر قاطع و بینة ذکر می کنند (القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، همان و قاموس قرآن، ۴، ۷۴-۷۷)؛ در اصطلاح حقوقی به معنی اخبار شخص از امری به نفع یکی از طرفین دعوی و به زیان دیگری (حقوق مدنی، ۶، ۱۸۹)؛ و در اصطلاح فقهی شهادت گاهی به معنای تحمل شهادت، یعنی گواه شدن است، و گاهی به معنای ادای شهادت یعنی گواهی دادن است و شاهد یا گواه کسی است که وجود امری را به نفع یکی از متداعیین و زیان دیگری اعلام می دارد. (قواعد فقه، ۳، ۵۸ و ۵۹).

در قانون نیز قانون گذار شهادت را این چنین تعریف کرده که «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است.» (ق م ا، ماده ۱۷۴). سپس قانون گذار در تعریف جدیدی از شهادت بیان می دارد که «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد» (همان، ماده ۱۷۵). و شرایطی را برای این شهادت شرعی بیان میدارد که عبارت است از «الف) بلوغ، ب) عقل، پ) ایمان، ت) عدالت، ث) طهارت مولد، ج) ذینفع نبودن در موضوع، چ) نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها، ح) عدم اشتغال به تکدی، خ) ولگرد نبودن (همان، ۱۷۷).

(۱) جایگاه شهادت زوج بر زوجه و بالعکس (له و علیه) در فقه

در باب این که آیا شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) و بالعکس جایز است یا خیر؟ در کتب فقهی فصلی با همین عنوان شکل گرفته و سه حدیث به طور کلی بر جواز و قبول آن به شرح ذیل بیان شده است:

۱-۱. حدیث صحیح (ملاذ الأخیار، همان) از ابن مروان که بیان می کند «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَوْ قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا - عَنِ الرَّجُلِ يَشْهَدُ لِمْرَأَتِهِ - قَالَ إِذَا كَانَ خَيْرًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ لِمْرَأَتِهِ» (کافی، ۷، ۳۹۲ ملاذ الأخیار همان).

۱-۲. حدیث صحیح (ملاذ الأخیار ۲۴، ۲۴۳) از حلبی که بیان می کند «تَجُوزُ شَهَادَةُ الرَّجُلِ لِمْرَأَتِهِ - وَالْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا إِذَا كَانَ مَعَهَا غَيْرُهَا» (کافی، همان و سائل الشیعه، ۲۷، ۳۶۶).

۱-۳. حدیث موثق سماعه (جواهر الکلام، ۴۱، ۷۸ و جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ۶، ۱۲) که بیان می کند «سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ الرَّجُلِ لِمْرَأَتِهِ قَالَ نَعَمْ - وَالْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَعَهَا غَيْرُهَا» (وسائل الشیعه، همان).

فقهها نیز به استناد این سه حدیث و در جواب سوال که شهادت زوج بر زوجه را مستقلاً جایز می داند یا شاهد دیگری نیز باید ضمیمه گردد اقوالی را به شرح ذیل بیان کرده اند:

۱-۴. عده ای ضمن پذیرش ضمیمه کردن شاهد به شهادت زوج و زوجه، شهادت آنها را مستقلاً پذیرفته اند. (تحریر الوسیله، ۲، ۴۴۴ و مسالک الأفهام، ۱۴، ۱۹۷ و جواهر الکلام، ۴۱، ۷۸ و معجم فقه الجواهر، ۳، ۴۷۴).

ادله:

- اجماع (خلاف، ۲۹۹ و فقه الصادق (ع)، همان و جواهر الکلام، همان و معجم فقه الجواهر، همان).
- اخبار صحیح حلبی، صحیح ابن مروان و موثق سماعه (فقه الصادق (ع)، همان و جواهر الکلام، همان).
- موافقت با نظر مشهور بالاخص نظر متأخرین (جواهر الکلام، همان و معجم فقه الجواهر، همان).
- عدم مخالفت در این قول (مسالک الأفهام، همان).
- وجود مقتضی و اقتضائات شهادت در شهادت زوج و زوجه بیدن بیان که شرایط شاهد در زوج و زوجه وجود دارد و فقدان مانع شهادت دادن زوج و زوجه که از این اقتضا جلو گیری کند^۳. (مسالک الأفهام، همان).

رد ادله:

- اجماع به دلیل وجود اقوال متفاوت فوق الذکر سالبه به انتفای موضوع است.
- اخبار بالاخص صحیح حلبی و موثق سماعه شهادت زوجه را با ضمیمه دیگری جایز می داند.
- موافقت با نظر مشهور حجیت به همان ندارد. مضاف بر این با بیان مخالفی همچون شیخ طوسی در نهاییه و دیگر اقوال این ادعا نیز رد می شود مضاف بر این که نبود مخالف نشان از حجیت این قول نیست و حداقل موید این قول است.

^۳. برخی وجود تهمت را یک مانع بیان می کنند در صورتی که محل تهمت بودن زوج و زوجه با وجود وصف عدالت در شرایط شاهد منتفی می گردد.

• قابلیت نداشتن شهادت زوجه برای اثبات ادعایی، حداقل به خاطر عدم بیان این امر در شرع مقدس - که هیچ امری را با شهادت یک زن ثابت نمی داند، مضاف بر آن این که چه مانعی بالاتر از نص حدیث صحیح حلبی و موثق سماعه که شهادت زوجه را به تنهایی جایز نمی داند.

۲. عده ای قائل به تفاوت بین شهادت زوج و زوجه شده و شهادت زوج را به صورت مستقل و بدون ضمیمه شاهد دیگر جایز دانسته و شهادت زوجه را در ضمن و با ضمیمه شدن شاهد دیگری جایز دانسته اند (وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۳، ۴۶۶ و کابلی، منهاج الصالحین، ۳، ۲۶۷).

ادله:

- اخبار صحیح حلبی و موثق سماعه (مبانی تکملة المنهاج، همان)
 - شهادت زن به تنهایی قابلیت اثبات ندارد (مبانی تکملة المنهاج، همان)
۳. عده ای شهادت زوج و زوجه را به انضمام شاهد دیگر پذیرفته اند (المهذب، ۲، ۵۵۷)

ادله:

• برخی دلیل این قول را استناد به صحیح ابن مروان و موثق سماعه بیان کرده و با توجه به این که این دو حدیث شهادت زوجه را به انضمام دیگری بیان می کند از باب قیاس این حکم را به شهادت زوجه نیز تسری داده اند (فقه الصادق (ع)، ۲۵، ۳۰۲) و برخی دیگر صحیح حلبی و موثق سماعه را دلیل این حکم بیان کرده اند (مسالك الأفهام، ۱۴، ۱۹۷) اما بیان کنندگان این نظر برای سخن خویش هیچ دلیلی ذکر نکرده اند

• دومین دلیلی که در این زمینه بیان شده و قائل به تفاوت خصوصیات زن و مرد مرتبط است و آن قدرت مزاج مرد و محکم بودن و نفوذ ناپذیری عقل مرد نسبت به زن بیان شده است و از همین رو است که شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است لذا این طبیعت و ویژگی های شخصیتی زن باعث می شود که شهادت زوجه به تنهایی پذیرفته نشود. (مسالك الأفهام، ۱۴، ۱۹۷).

رد ادله:

• اولاً این که با توجه به متن احادیث نظر دوم مبنی بر سند قول که صحیح حلبی و موثق سماعه است اولی به نظر می رسد ثانیاً از همین رو نیز به دلیل این که محل اجرای حکم را به طور مطلق قیاس دانسته اند و لزوم انضمام زوجه به شاهد دیگر با زوج را از باب قیاس بیان کرده اند این بیان صحیح نبوده بلکه قیاس مع الفارق است

۴. در مورد استناد به صحیح حلبی بدین شکل بود که ضمیر «غیرها» به «شهاده» بر می گردد نه به «زوجه» لذا اشتراط وجود غیر شاهد ملاک قبول شهادت است خواه شاهد زوج باشد خواه زوجه باشد (کتاب الشهادت، ۱۷۱)

• ثانیاً این که اگر دو حدیث شهادت زوجه را به شرط وجود شاهد دیگری پذیرفته است بخاطر این است که شهادت زوجه به صورت مستقل و حتی به همراه یمین نیز پذیرفته نیست و تنها در یک مورد حالت نادری دارد و آن در مورد وصیت پذیرفته می شود و در هیچ جایی دیگری پذیرفته نیست از همین رو در دو حدیث شهادت زوجه، مقید به شهادت دیگری شده است.

• ثالثاً این که ضمیر غیرها به شهادت بر می گردد، بیان می شود که اولاً این ارجاع ضمیر خلاف ظاهر است، ثانیاً این ارجاع با موثق سماعه در تضاد است زیرا در موثق سماعه به وضوح ضمیر «غیرها» به «زوجه» بر می گردد نه به «شهادت» (کتاب الشهادت، ۱۷۱).

• رابعاً در مورد بیان تفاوت خلقت زوج و زوجه نیز باید به این نکته توجه کرد که این حکم تبعدی است و غالباً این گونه نیست که مرد ارجح به زن خلق شده باشد (کتاب الشهادت، همان).

۴. عده ای شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) را مستقلاً پذیرفته و قید ضمیمه با شاهد دیگر را نفی و فقط در خصوص شهادت زوجه بیان می دارد که شهادت زوجه را مقید به حصول اطمینان نوعی است و در صورت عدم حصول اطمینان نوعی شهادت را نیازمند به ضمیمه می داند. (مهذب الأحكام، ۲۷، ۱۸۳).

ادله:

این قول شامل دو قسمت است قسمت اول که همچون قول قبل است با این ادله بیان می گردد:

- اصل پذیرش شهادت زوج و زوجه (له و علیه).
- اطلاق ادله مثبت این شهادت.
- اتفاق نظر فقهاء بر این موضوع.
- اخبار خاص بالاخص صحیح حلبی و موثق سماعه.
- بیان این قول توسط قدما و متاخرین.
- قسمت دوم قول که باعث افتراق این قول از قول قبل شده است و آن حصول اطمینان نوعی است.
- وضوح این قول مشخص است و نیاز به دلیل ندارد (مهذب الأحكام، همان).

رد دلیل:

- در خصوص قید دوم این قول که حصول اطمینان را لازمه پذیرش شهادت زوجه دانسته است بیان می شود که این لزوم را از شرع گرفته اید یا از عقل؛ اگر از شرع گرفته اید دیگر وضوح معنی ندارد و باید دلیل آن بیان شود اگر هم این وضوح ناشی از عقل است چرا فقط نسبت به زوجه جاری شده و زوج را در بر نمی گیرد چرا وضوح اطمینان نوعی مقید به زوجه است؟

لذا به نظر می رسد مقید کردن کلام زوج به حصول اطمینان نوعی و به تبع آن مقید کردن قول دوم به این حصول اطمینان نوعی بی وجه بوده و این قول را نیز باید همچون قول دوم دانست.

۵. عده ای به صورت مطلق شهادت زوج و زوجه را قبول نمی کنند^۵ (خلاف، ۶، ۳۰۰ و الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، ۱۷، ۱۶۶).

دلیل:

- احتجاج به آیه ۲۱ سوره روم که بیان می دارد: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و این مودت و رحمتی که بین زوج و زوجه هست موجبات ارتیاب و تهمت به آنهاست پس شهادت آنها مطلقا نسبت به هم پذیرفته نیست (الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، همان).

رد دلیل:

- مخالف با اخبار صحیح حلبی صحیح ابن مروان و موثق سماعه.
 - ارتیاب و تهمت با توجه به صفات شاهد که عدالت است بر طرف می گردد.
۶. عده ای ضمن پذیرش شهادت زوج بر زوجه شهادت زوجه بر زوج را جایز نمی دانند (المغنی، ۱۰، ۱۷۴ و خلاف، همان و الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، همان).

دلیل:

- ذی نفع بودن زوجه، لذا شهادتش پذیرفته نیست و عدم نفع زوج و جواز پذیرش شهادتش له و علیه زوج (الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، همان).

رد دلیل:

- مخالفت با اخبار صحیح حلبی، صحیح ابن مروان و موثق سماعه
- ذی نفع دانستن زوجه و عدو نفع زوج بلا وجه و دلیل است اگر نفعی هست برای هر دواست اگر نیست برای هیچیک نیست.

از همین رو و با توجه به اخبار مطرح شده و اقوال فقها و دلایل آنها در تبیین اقوال خویش و ادله قول چهارم و نبود رد و مخالفی بر ادله آن و جمع اقوال بودن این قول می توان چنین نتیجه گرفت که شهادت زوج و زوجه مستقلا (له و علیه) مورد

^۵. شیخ طوسی این قول را از اهل عراق نقل می کند

پذیرش است و شهادت زوجه بر زوج (له و علیه) مستقل پذیرفته نمی شود؛ پس اصل اولی در مورد شهادت زوج بر زوجه استقلال در شهادت است الا ما خرج بدلیل و در شهادت زوج بر زوجه اصل عدم استقلال است الا ما خرج بدلیل.

۲) جایگاه شهادت زوج بر زوجه در زنا

آنچه بیان شد در خصوص جایگاه شهادت زوج بر زوجه در جرایم بود و اکنون بررسی این جایگاه در خصوص شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا است و این که اگر ۴ شاهد بر زنا دادن زنی شهادت دهند و یکی از این ۴ شاهد همسر وی باشد آیا این شهادت موجب اجرای حد بر زوجه می شود یا خیر؟ چند دلیل از آیات و روایات زیر توسط فقها مورد استناد قرار گرفته و نظرات متفاوتی از آن ناشی شده است:

آیات:

۱. آیه ۶ سوره نور «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ»^۶
۲. آیه ۱۳ سوره نور «لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ»^۷
۳. آیه ۱۵ سوره نساء «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ»^۸
۴. آیه ۴ سوره نور «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۹

روایات:

۱. آنچه روایت شده از «ابن محبوب، عن نعیم بن ابراهیم، عن ابي سيار مسمع، عن ابي عبد الله عليه السلام: في اربعة شهدوا على امرأة بفجور، احدثهم زوجها، قال: يجلدون الثلاثة و يلاعنها زوجها و يفرق بينهما، و لا تحل له ابدًا» (تهذيب الاحكام، ۱۰، ۷۹)
۲. آنچه روایت شده از «عباس بن معروف عن عباد بن كثير عن ابراهيم بن نعیم عن ابي عبد الله ع قال: سألته عن اربعة شهدوا على امرأة بالزنا احدثهم زوجها قال تجوز شهادتهم» (خلاف، ۶، ۲۸۲)
۳. آنچه روایت شده از «احمد بن محمد بن عيسى، عن اسماعيل بن خراش، عن زرارة، عن احدثهما عليهما السلام: في اربعة شهدوا على امرأة بالزنا، احدثهم زوجها، قال: يلاعن الزوج و يجلد الآخرون» (خلاف، همان)

^۶. و کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفت) متهم می کنند، و گواهی جز خودشان ندارند، هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگويان است.

^۷. چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویند!

^۸. و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید!

^۹. و کسانی که آنان پاکدامن را متهم می کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید.

بنابر این به استناد به ادله فوق اقوالی در باب شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا حاصل شده است.

الف) در صورت عدم قذف زوجه و شروع ابتدا زوج بر شهادت بر زوجه حد ثابت می شود:

اگر زوج بدون این که زوجه را قبل از شهادت قذف کرده باشد و سه شاهد دیگر بعد از شهادت زوج، شهادت دهند حد بر زوجه ثابت می شود، اما اگر زوج در ابتدا زوجه را با قذف زنا کار بداند و سپس همراه سه شاهد دیگر شهادت دهد، شهادت زوج قبول نیست و اگر می خواهد همچون سه شاهد دیگر حد نخورد، لعان زوجه بر زوج واجب می شود، و در این صورت سه شاهد دیگر حد می خورند.

این قول را شیخ طوسی، (خلاف، ۵، ۴۳ و ۴۴) ابن ادریس، (السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳، ۴۳۰) ابن حمزه، (الوسیله إلى نیل الفضیله، ۴۱۰) علامه در قواعد (قواعد الأحکام، ۳، ۵۳۴) و مختلف (مختلف الشیعۀ، ۹، ۱۳۹) و کتاب حدود از تحریر، (تحریر الأحکام، ۵، ۳۱۵ و ۳۱۶) فرزندش فخر الاسلام در کتاب حدود، (ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴، ۴۹۰) و نیز محقق حلی در کتاب حدود و لعان شرایع (شرائع الإسلام، ۳، ۷۷) و مختصر النافع (المختصر النافع، ۱، ۲۱۷) و جمع دیگری برگزیده اند.

ادله:

۱. آنچه روایت شده از «مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لَا يُرْجَمُ رَجُلٌ وَلَا امْرَأَةٌ حَتَّى يَشْهَدَ عَلَيْهِ أَرْبَعَةٌ شُهُودٍ عَلَى الْإِيلَاجِ وَالْإِخْرَاجِ».
۲. آنچه روایت شده از «بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يَجِبُ الرَّجْمُ حَتَّى تَقُومَ الْبَيِّنَةُ الْأَرْبَعَةُ شُهُودًا أَنَّهُمْ قَدْ رَأَوْهُ يُجَامِعُهَا».
۳. آنچه روایت شده از «أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا يُرْجَمُ الرَّجُلُ وَالْمَرْأَةُ حَتَّى يَشْهَدَ عَلَيْهِمَا أَرْبَعَةٌ شُهُودًا عَلَى الْجَمَاعِ وَالْإِيلَاجِ وَالْإِدْخَالِ كَالْمِيلِ فِي الْمُكْحَلَةِ»
۴. آخرین روایت که از «الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدُّ الرَّجْمِ أَنْ يَشْهَدَ أَرْبَعَةٌ أَنَّهُمْ رَأَوْهُ يُدْخَلُ وَيُخْرَجُ» روایت شده است (خلاف، ۱۰، ۲-۳)

۵. آیه ۱۵ سوره نساء: طبق آن ۴ شاهد لازم است و فرقی نمی کند که زوج جز این ۴ شاهد باشد یا نباشد. (خلاف، ۵، ۴۳ و ۴۴) و قواعد الأحکام، ۹، ۱۳۹ و ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴، ۴۹۰).

۶. آیه ۶ سوره نور «لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ» طبق این آیه زوج یکی از شاهدان می باشد.

۷. آیه ۴ سوره نور «بِأَرْبَعَةٍ شُهُودًا» ۴ شاهد اطلاق دارد و این اطلاق زوج را نیز شامل می شود. (خلاف، همان)

۸. اگر مقدم بر شهادت قذف کرده باشد سه شاهد را برای دفع ضرر از خویش می آورد و هرکس بخواهد دفع ضرر از خود کند نمی توان شهادتش را پذیرفت از همین رو وقتی که زوج قذف کرده مدعی است و مدعی نمی توان شهادت هم باشد و در این صورت لعان بر زوج ثابت می شود. (سرائر، ۳، ۴۳۰).

رد ادله:

• آن چه در مورد این قول مطرح می شود این است که این قول دو جز دارد اول عدم قذف ابتداءً دوم پذیرش شهادت زوج در مورد جزء اول باید بیان کرد قذف تخصصاً از محل بحث خارج است و در حیطه اقوال مربوط به زنا نمی گنجد و ما بحثمان در مورد جایی است که زوجه ادعای زنا کرده و سه شاهد بر ادعای خود در کنار شهادت خویش اقامه کرده است ولی اگر زوج مقدم بر ادعای زنا زوجه را قذف کرده باشد در این صورت دیگر در زمره اقوال مربوط به زنا نگنجد و داخل در بحث دیگری است از همین رو و با رد قسمت اول قول قسمت دوم باقی می ماند و آن پذیرش شهادت زوج است لذا این قول همان قول اول است و ادله ای هم که در این قول مزرع شده همان ادله قول اول است.

• به همین جهت روایات مطرح شده اطلاق داشته و شهادت زوج را در بر می گیرد و توضیحی که در ضمن استنادی که به آیات قرآن در همین قول شده است نیز دال بر این امر هستند.

• دلیل آخری هم که بیان شده که زوج مدعی نمی تواند شاهد هم باشد با وجود اصل مطرح شده - در فوق که شهادت زوج را له و علیه زوجه را مورد پذیرش قرار میدهد- این قاعده توسط شهادت زوج تخصیص می خورد و در این صورت زوج هم می تواند مدعی باشد هم شاهد (ما من عام الا و قد خص)

ب) حد خوردن شاهدان بالاخص زوج در صورت امتناع از لعان زوج :

این قول از ابو صلاح حلبی، (الكافی فی الفقه، ۴۱۵) قاضی ابن براج، (المهذب ، ۲، ۵۲۵) شهید اول، (غایه المراد، ۴، ۱۹۱) صدوق، (المقنع، ۴۴۰)) علامه در ارشاد، (إرشاد الأذهان ، ۲، ۱۷۲) و فرزندش فخر الاسلام در کتاب لعان، (إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد ، ۳، ۴۵۷) آیت الله خویی (مبانی تکملة المنهاج، ۱، ۲۲۲ و ۲۲۳) پذیرفته و امام خمینی (تحریر الوسیله ، ۲، ۴۶۸) قائل به رجحان این نظر شده است.

ادله:

- استناد به خبر زراره که بیان می کرد «یلاعن الزوج و یجلد الآخر»
- استناد به صحیح مسموع (مبانی تکملة المنهاج ، همان)
- در تایید خبر زراره به آیه ۱۳ سوره نور «لَوْ لَاجَأُوْا عَلَیْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ» شکل که ضمیر در «جاءوا» بر می گردد به قاذفین و زوج از قاذفین است و زوج قاذف باید لعان کند و نوبت به کار دیگری نمی رسد و نیز صحیح نیست که گفته شود جاء الإنسان بنفسه به این معنی که با نفس خودش آمد از همین رو شخص در طوره شهدا قرار نمی گیرد (مسالك الأفهام، ۱، ۲۵۹) و نیز مفهوم لفظ «شهداء» که در آیه آمده غیر از مستشهد است لذا زوج را در بر نمی گیرد (غایه المراد، ۴، ۱۹۱) سپس ایشان بعد از بیان این ادله بیان می کند که قول قبلی خویش را تصحیح و این نظر را بر می گزینند.

- علاوه بر آن فخر المحققین بیان می دارد که بر ای زوج حقی است در اثبات زنا زیرا در زنا تصرف در حق وی شده و راز و عرض زوج با زنا هتک می شود پس زوج مدعی این حق است که زائل شده است پس شهادت زوج برای خودش قبول نیست و شخص نمی شود هم مدعی باشد هم شاهد (المهذب، ۲، ۵۲۵)

رد ادله:

- حدیث زراره نیز مجهول است (ملاذ الأخیار، ۱۰، ۱۷۰) و این به خاطر وجود اسماعیل بن خراش (تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیلہ - الحدود، ۲۶۰) (شرح تحریر الوسیلہ - الحدود، ۲۶۰)
- حدیث مسمع نیز مجهول است (تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیلہ - الحدود، ۲۶۰ و کتاب الحدود، ۱۲۲ و فقه الحدود و التعزیرات، ۱، ۶۶۲) از همین رو استناد به این خبر از حیثه ادله فقها خارج می شود.
- در مورد این قول نیز با توجه به این که دو خبر مسمع و زراره که مورد استناد بود از ادله ایشان خارج شد از همین رو تایید گرفتن آیات قرآن نیز رد شده مضاف بر این که آیات مورد استناد مخصوص باب لعان می باشند و تخصص خارج از موضوع مورد بحث می باشند .

دلیل آخری هم که بیان شده که زوج مدعی نمی تواند شاهد هم باشد با وجود اصل مطرح شده - در فوق که شهادت زوج له و علیه زوجه را مورد پذیرش قرار میدهد- این قاعده توسط شهادت زوج تخصیص می خورد و در این صورت زوج هم می تواند مدعی باشد هم شاهد (ما من عام الا و قد خص).

- (۱) مدخول و غیر مدخول بودن زوجه این قول از ابن جنید است که بیان می دارد اگر با زوجه زناشویی نشده (غیر مدخول بها) باشد شهادت زوج صحیح است و زوجه حد می خورد و اگر با زوجه زناشویی شده (مدخول بها) باشد شهادت زوج باطل است و بر زوج است که لعان کند و بر سه شاهد دیگر حد جاری می شود (مجموعه فتاوی ابن جنید، ۳۴۳).

رد دلیل:

- حمل این قول بر زوجه غیر مدخول بها حمل بر حالت نادر است و این حالت نادر چگونه می تواند مصداق اطلاق آیات و روایات دال بر این مفهوم باشد از همین رو جایز نیست بر شارع که در مقام مخاطب امری را به طور مطلق تشریح کند که افرادی نادر را در بر بگیرد اگر هم بگوییم این قول قاعده ای است که به وسیله اطلاق ادله تخصیص می خورد این تخصیص به اکثر است که امری مستهجن است.

(۲) با حصول شرایط شهادت زوجه حد می خورد (و جوب حد زوجه با وجود حاصل بودن شرایط شهادت)

این نظر را شیخ طوسی در نهاییه و تهذیب، (نهاییه ۶۹۰ و خلاف، ۶، ۲۸۳) شهید اول در غایه المراد، (غایه المراد، ۳، ۳۱۲-۳۱۵) شهیدثانی در مسالک الافهام (مسالک الافهام، ۱۰، ۲۵۸) و فیض کاشانی در مفاتیح الشرائع (مفاتیح الشرائع، ۲، ۶۸) برگزیده‌اند.

برخی دیگر همین قول را به طور مطلق یعنی پذیرش شهادت زوج بیان کرده اند (أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات، ۴۴۲ و کتاب الحدود، ۱۲۲ و فقه الحدود و التعزیرات، ۱، ۶۶۳)

ادله:

- استناد به خبر ابراهیم بن نعیم که موافق با ظاهر آیه ۶ سوره نور نیز بوده و نقل می کند که «قَالَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُمْ» (خلاف، ۶، ۲۸۲) و معنی جواز صحت شهادت است و صحت شهادت یعنی ترتب اثر آن و آن اجرای حد بزوجه است (مسالک الافهام، همان).
- خبر ابراهیم بن نعیم و زراره تعارض پیدا کرده و خبر ابراهیم بن نعیم به خاطر موافقت با ظاهر آیه ۶ سوره نور و آیه ۱۵ سوره نساء مقدم است (غایه المراد، همان).
- آیه ۶ سوره نور اطلاق دارد و دال بر ثبوت زنا با شهادت ۴ شاهد است از همین رو لعان در جایی جاری است که برای مرد شاهدی غیر از خودش نباشد اما اگر با خودش، شاهدانی وجود دارد که با وجود آنها ۴ شاهد کامل می شود و بر زوج لعان واجب نیست (خلاف، همان).
- استناد به آیه ۱۵ سوره نساء که حاکمان را مورد خطاب قرار داده و بیان می کند که ۴ شاهد برای اثبات مدعی کافی است و فرقی نمی کند که یکی از آنها زوج باشد یا زوج نباشد و اطلاق شاهد بر زوج صحیح است. (غایه المراد، همان).
- حصول مقتضای شهادت یعنی ۴ شاهد بر زنا و نبود مانع حد جاری می شود (مسالک الافهام، همان).
- موافقت کثیری از فقها بر این امر که زوج همچون دیگر شاهدان است.
- به خاطر قبول شهادت زوج له و علیه زوجه و نبودن مانعی برای اجرای این قول.
- ضعف خبر زراره و مخافت خبر با اصول مذهب (مفاتیح الشرائع، همان).
- وجود اصل اولی در قبول شهادت زوج بر زوجه.

رد ادله:

- حدیث ابراهیم ابن نعیم مجهول است (ملاذ الأخیار، ۱۰، ۱۷۰) و به خاطر عباد بن کثیر در سلسله راویان حدیث موثق نیست (أسس الحدود و التعزیرات، ۸۰ و کتاب الحدود، ۱۲۱).
- (۳) عدم حد شاهدان و مقذوف این قول را محقق اردبیلی بیان می کند که نه شهود حد می خورد نه مقذوف به خاطر وجود شبهه در اجرای حد در مورد زوجه و شاهدان (مجمع الفائدة و البرهان، ۱۳، ۳۸).

دلیل: تمسک به قاعده تدرء الحدود بالشبهات بدین شکل که در باب اجرای حد بر زوجه و اجرای حد بر سه شاهد شبه هست و مشخص نیست به کدام یک از طرفین حد جاری می شود لذا حد از هر دو گروه ساقط می شود.

رد ادله:

• با توجه به اقوال مختلف مطرح شده نوبت به بیان این قول نمی رسد مضاف بر آن که این قاعده در جای جاری است که وحدت مصداق مفروغ عنه باشد نه این که به خاطر مصداق مختلف یعنی حد بر زوجه و حد بر سه شاهد، بیان شود که شبه ایجاد شده لذا اجرای حد برداشته می شود.

۳) جایگاه شهادت زوج بر زوجه(له و علیه) و بالعکس در قوانین

در مورد بررسی این موضوع در مجموعه قوانین ایران قانونگذار به صراحت به این مطلب اشاره نکرده است ولی در ماده ۱۷۴ قانون مجازات در تعریف شهادت بیان می کند «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است» (قانون مجازات اسلامی، ۱/ ۹۲۲، ماده ۱۷۴) این ماده صراحت در این دارد که شهادت زوج و زوجه برای خویش(له و علیه) به خاطر این که طرفین دعوی هستند جایز نیست اما در خصوص شهادت زوج بر زوجه(له) در حالتی که طرفین دعوا نباشند مانع ای ندارد و نیز به استناد ماده ۱۷۵ همین قانون که شرایط شاهد را بیان می کند بر اساس بند «ج- ذینفع نبودن در موضوع؛ چ- نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها» این ماده که قید ذینفع بودن و نداشتن خصومت را بیان می دارد لذا شهادت زوج و زوجه (له و علیه) و بالعکس را در حالتی که مصداق این دو صفت باشند، نمی پذیرد ولی در صورتی که مصداق این دو صفت نباشند شهادت هریک از آنها مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.

۳-۱) در قوانین حقوقی

از همین ماده ۲۳۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در خصوص شهادت زن و مرد(زوج بر زوجه) در دعوی حقوقی بیان می دارد که: «در دعوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می باشد:

الف) اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعوی غیرمالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت با گواهی دو مرد.

ب) دعوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می باشد از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب، جنایات خطائی و شبه عمد که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن.

ج) دعوی که اطلاع بر آنها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن، دو مرد یا یک مرد و دو زن.

د - اصل نکاح با گواهی دو مرد و یا یک مرد و دو زن. «قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) ۲۸/ ۱/ ۱۳۷۹».

لذا در برخی از موارد قانون گذار به صراحت شهادت زن را پذیرفته و در برخی موارد این شهادت را فاقد اعتبار دانسته است اما آنچه حائز اهمیت است این مساله است که رابطه شهادت های مورد پذیرش قانون گذار در خصوص زنان با شهادت زوجه رابطه عموم و خصوص مطلق است و شهادت هر زوجه ای شهادت زن نیز محسوب می گردد لذا در صورت عدم تخصیص این موارد با قیود مطرح شده در ماده ۱۷۴ و ۱۷۵ شهادت زوج بر زوجه و بالعکس توسط قانونگذار مورد پذیرش قرار گرفته است.

۲-۳ در قوانین کیفری

در خصوص شهادت زن و مرد (زوجه و زوج) در دعوی کیفری قانون گذار در جرایم مختلف قائل به تفکیک بوده و بیان می دارد که «ماده ۱۹۹ - نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفریض و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد. برای اثبات زناى موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق، ثابت می شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است» (قانون مجازات اسلامی).

در جای دیگر قانونگذار بیان می دارد « ماده ۳۳ - الف) قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود. ب) قتل شبه عمد یا خطاء با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت میشود. ماده ۹۱ - زنا با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل با دو زن عادل ثابت میشود. خواه موجب حد جلد باشد خواه موجب حد رجم.

ماده ۹۲ - در مواردی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل با چهار زن عادل نیز ثابت می شود.

ماده ۱۲۸ - حد شرب خمر فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود.

ماده ۱۵۰ - شهادت زنها بتنهائی یا به ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمیکند.

ماده ۱۶۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود.

ماده ۱۸۶ - قذف با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود.

ماده ۲۰۱ - محاربه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت میشود... ب - با شهادت فقط دو مرد عادل.

ماده ۲۱۶ - سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت میشود: شهادت دو مرد عادل و.. (قانون حدود و قصاص و مقررات آن ۱۳۶۱/۰۷/۲۰).

از همین رو شهادت زن (زوجه) له و علیه مرد (زوج) را قانون گذار در چند صورت بیان نموده است:

الف) جرایمی که قانون گذار به صراحت شهادت زن (زوجه) را به تنهایی یا به انضمام دیگری نپذیرفته است مانند حد شرب خمر، لواط، محاربه، افساد فی الارض، سرقت، قوادی، قذف و... .

ب) جرایمی که قانون گذار شهادت زن (زوجه) را به انضمام مرد (زوج) پذیرفته است زناى موجب حد جلد، قتل شبه عمد یا خطا.

ج) جرایمی که شهادت زن (زوجه) به تنهای با رعایت نصاب آن مورد پذیرش است که قاقونگذار در هیچ یک از جرایم شهادت زن (زوجه) را به تنهایی نپذیرفته است.

بر اساس آنچه بیان شد در مورد شهادت زوج بر زوجه از آن رو که قانون گذار در خصوص این مطلب به صراحت سخن نگفته است و از باب رابطه بین زن و زوجه که رابطه عموم و خصوص من وجه است لذا از باب شهادت زن که برخی زن ها زوجه نیز تلقی می گردند سه حالت فوق برای شهادت زوجه در جرایم متصور است که در صورت عدم تخصیص با قیود مواد دیگر همچون ماده ۱۷۴ و ۱۷۵ می تواند ملاک عمل و قضاوت مراجع ذی صلاح واقع گردد.

۲) جایگاه شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا در قوانین

قانونگذار در ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد «نصاب شهادت در کلیه جرایم دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه با چهار شاهد مرد اثبات می گردد» (قانون مجازات اسلامی) یا در قانون حدود و قصاص بیان می دارد «ماده ۹۱ - زنا با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل با دو زن عادل ثابت میشود. خواه موجب حد جلد باشد خواه موجب حد رجم ماده ۹۲ - در مواردی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل با چهار زن عادل نیز ثابت میشود» (قانون حدود و قصاص و مقررات آن ۱۳۶۱/۰۷/۲۰) اطلاق این مواد شهادت زوج بر زوجه را در بر می گیرد و در صورت تخصیص با مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ این اطلاق مقید و شامل شهادت زوج بر زوجه و بالعکس نخواهد شد. /

نتیجه گیری:

۱. نقش شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا در ضمن سه شاهد دیگر پذیرفته می شود و بر زوجه حد جاری می شود.
۲. احادیث مورد استناد فقها در باب جایگاه شهادت زوج در جرم زنا به علت ضعف در سند از حیثه ادله فقها خارج و اطلاق آیات و روایات دیگر در این زمینه کار ساز است.
۳. قانونگذار در خصوص شهادت زوجه و زوج (له و علیه) در دعاوی کیفری و حقوقی قایل به تفصیل است (الف) در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را می پذیرد به شرط عدم تخصیص توسط مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ (ب) در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را به انضمام و مستقل نمی پذیرد (ج) در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را تخصصاً خارج می داند (د) در برخی موارد شهادت زوجه بر زوج را مستقلاً و اختصاصاً می پذیرد.
۴. قانونگذار در خصوص شهادت زوج بر زوجه به شرط عدم تخصیص توسط مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ را پذیرفته است.
۵. قانونگذار شهادت زوج بر زوجه و بالعکس را در جرم زنا به شرط عدم تخصیص توسط مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ پذیرفته است.
۶. اصل اولیه در شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) پذیرش شهادت زوج است الا ما خرج بدلیل.
۷. اصل اولیه در شهادت زوجه بر زوج است عدم پذیرش شهادت زوجه است الا ما خرج بدلیل.
۸. اصل عدم پذیرش شهادت مدعی (له و علیه) خودش (مدعی نمی تواند شاهد هم باشد) در همه جا جاری است الا در مورد شهادت زوج بر زوجه.

فهرست منابع:

۱. اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، ۱۴ جلد، چ ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۲. اسکافی ابن جنید، محمد بن احمد (کاتب بغدادی)، **مجموعه فتاوی ابن جنید**، در یک جلد، چ ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۳. امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، ۶ جلد، انتشارات اسلامی، تهران، بی تا.
۴. بصری البغدادی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب (ماوردی) **الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی**، ۱۹ ج، ناشر دار الکتب العلمیة، بیروت، (۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م).
۵. تبریزی، جواد بن علی، **أسس الحدود و التعزیرات**، در یک جلد، دفتر مؤلف، قم، اول، ۱۴۱۷.
۶. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، **معجم فقه الجواهر**، ۶ جلد، الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، اول، ۱۴۱۷ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ق.
۸. حسینی روحانی قمی، سید صادق، **فقه الصادق (ع)**، ۲۶ جلد، دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۲ق.
۹. حلبی ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳)، **الکافی فی الفقه**، در یک جلد، چ ۱، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۳ق.
۱۰. حلّی ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۳، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، **إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، اول، ۱۳۸۷ق.
۱۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف، **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، ۷ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۰۵.
۱۳. سبزواری، سید عبد الأعلى، **مهذب الأحکام**، ۳۰ جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم، چهارمف ۱۴۱۳ق.
۱۴. سعدی، ابو جیب، **القاموس الفقھی لغة و اصطلاحا**، در یک جلد، دار الفکر، دمشق - سوریه، دوم، ۱۴۰۸.
۱۵. شهید اول، محمد بن مکی، **غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد**، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۴ق ..

۱۶.، **اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية**، در یک جلد، دار التراث - الدار الإسلامية، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ ق .
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم، اول، ۱۴۱۳ ق .
۱۸. صاحب الجواهر، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، هفتم، ۱۴۰۴ ق .
۱۹. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، **من لا يحضره الفقيه**، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ .
۲۰.، **المقنع**، در یک جلد، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۵ .
۲۱. طرابلسی ابن براج، عبد العزیز، **المهذب**، ۲ ج، ۱ ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ ق .
۲۲. طوسی ابن حمزه، محمد بن علی، **الوسيلة إلى نيل الفضيلة**، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۸ ق .
۲۳.، **الخلاف**، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۷ .
۲۴.، **تهذيب الأحكام**، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ .
۲۵.، **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى**، در یک جلد، دار الكتاب العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۰ ق .
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان**، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۰ ق .
۲۷.، **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)**، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۰ ق .
۲۸.، **مختلف الشيعة في أحكام الشريعة**، ۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ ق .
۲۹.، **قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام**، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۳ ق .
۳۰. فیاض کابلی، محمد اسحاق، **منهاج الصالحين**، ۳ جلد، بی تا .
۳۱. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، **الوافی**، ۲۶ جلد، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، اول، ۴۰۶ .

۳۲.، مفاتیح الشرائع، ۳ جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، ایران، اول، بی تا .
۳۳. قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱/۰۷/۲۰ .
۳۴. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۱ .
۳۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ششم، ۱۴۱۲ .
۳۶. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق .
۳۷. کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات - الأشعثیات، در یک جلد، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، اول، بی تا .
۳۸. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ۱۶ جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم، اول، ۱۴۰۶ ق .
۳۹. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، ۲ جلد، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، ششم، ۱۴۱۸ .
۴۰.، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۰۸ .
۴۱. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، دوازدهم، ۱۴۰۶ .
۴۲. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، در یک جلد، بی تا .
۴۳. مقدسی ابن قدامه، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامه (دمشقی الحنبلی) المغنی لابن قدامه، ج ۱۰، مکتبه القاهرة، (۱۳۸۸هـ - ۱۹۶۸م).
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات، در یک جلد، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۸ .
۴۵. منتظری نجف آبادی، حسین علی، کتاب الحدود، در یک جلد، انتشارات دار الفکر، قم، اول، بی تا .
۴۶. موحدی لنگرانی، محمد فاضل، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود، در یک جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۲۲ .
۴۷. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، فقه الحدود و التعزیرات، ۴ جلد، مؤسسه النشر لجامعه المفید رحمه الله، قم، دوم، ۱۴۲۷ .
۴۸. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، اول، بی تا .
۴۹. موسوی خویی، سید ابو القاسم، مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم، اول، ۱۴۲۲ ق .
۵۰. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، کتاب الشهادت، در یک جلد، جناب مقرر کتاب، ایران، اول، ۱۴۰۵ .
۵۱. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، ۳ جلد، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، پنجم، ۱۴۲۸ .

